



## Comparative analysis of the position of Prophet Moses (pbuh) according to the Quran and Western thinkers

Mohammad Ashraf \*

### Abstract

Hazrat Musa (peace be upon him) is one of the prophets of Bani Israel, who was sent to guide and lead them a few generations after Hazrat Yaqub (peace be upon him). He was the owner of Sharia and his holy book called "Torah" is the basis of Jewish Sharia. Musa rescued the people of Bani Israel, who had previously settled in Egypt during the time of Prophet Yusuf (peace be upon him) and were later recruited by the kings of Egypt, from the hand of Pharaoh and took them out of Egypt. The Holy Quran introduced Prophet Musa as one of the first prophets and mentioned his name and his stories many times. This research is trying to compare the position of Prophet Moses (pbuh) from the point of view of the Quran and Western thinkers and to answer the question, what image of Prophet Moses (pbuh) have been presented by the Quran and Western thinkers? And are these images comparable? The findings of the current research, which were conducted in a descriptive analytical way and library studies. It indicates that from the perspective of the Qur'an, Prophet Moses (pbuh) has a great spiritual position as a divine prophet and a guide for mankind in his time. While in the opinion of Western thinkers, Moses is a leader whose only goal is to save his own people, not to guide oppressors and guide other people, on the one hand, from the point of view of the Holy Quran, Prophet Moses (pbuh) throughout his life (whether before prophethood or What after that) he had a spiritual relationship with his Lord. However, the image of Prophet Moses (pbuh) presented by Western thinkers is contrary to the Quran and they consider the birth of Moses, his growth and rescue from the clutches of his enemies and the different stages of his life to be completely coincidental.

**Key words:** Moses (pbuh), Quran, Western thinkers, Torah, Old Testament

---

\*Master of Islamic Religions, Al-Mustafa International University.

ashraf1204184@gmail.com



## تحلیل تطبیقی جایگاه حضرت موسی(ع) نزد قرآن و اندیشمندان غربی\*

محمد اشرف\*

### چکیده

حضرت موسی علیه السلام یکی از پیامبران قوم بنی اسرائیل است که چند نسل پس از حضرت یعقوب علیه السلام برای هدایت و رهبری آنها مبعوث شد. او صاحب شریعت بود و کتاب آسمانی او که «تورات» نام دارد مبنای شریعت یهود است. موسی قوم بنی اسرائیل را که پیش از این در زمان حضرت یوسف علیه السلام در مصر ساکن شده و بعدها توسط پادشاهان مصر به خدمت گرفته شده بودند، از دست فرعون نجات داده و از مصر خارج نمود. قرآن کریم حضرت موسی را یکی از پیامبران اولوالعزم معرفی نموده و نام او و داستانهایش را بارها ذکر کرده است. این پژوهش در تلاش است تا جایگاه حضرت موسی(ع) را از دیدگاه قرآن و اندیشمندان غرب به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار دهد و به این پرسش پاسخ دهد که قرآن و اندیشمندان غربی چه تصویری از حضرت موسی(ع) ارائه کرده اند؟ و آیا این تصویرها باهم قابل مقایسه هستند؟ یافته های تحقیق حاضر که به شیوه توصیفی تحلیلی و مطالعات کتابخانه ای صورت گرفته است. حاکی از آن است که از منظر قرآن حضرت موسی(ع) دارای جایگاه معنوی ولایی به عنوان پیامبر الهی و هدایت گر انسان در زمان خود برخوردار است در حالیکه در نظر اندیشمندان غربی، موسی رهبری است که تنها هدف او نجات قوم خودش است نه هدایت ستمگران و هدایت دیگر انسان ها، از سویی از دیدگاه قرآن کریم حضرت موسی(ع) در تمام دوران زندگی اش (چه قبل از نبوت و چه بعد از آن) یک رابطه ی روحانی با پروردگار خویش داشته است. اما تصویری که اندیشمندان غربی از حضرت موسی(ع) ارائه می دهند برخلاف قرآن است و آنها تولد موسی، رشد یافتن و نجات یافتن وی از چنگال دشمنان و مراحل مختلف زندگی وی را کاملاً تصادفی قلمداد می کنند.

واژگان کلیدی: موسی(ع)، قرآن، اندیشمندان غربی، تورات، عهد عتیق

\*تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۱۹ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۱۲/۲۹

\*دانش آموخته کارشناسی ارشد مذاهب اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، ashraf1254184@gmail.com



## مقدمه

موسی(ع) از پیامبران اولوالعزم و صاحب شریعت و رهبر بنی اسرائیل. داستان‌ها و معجزات حضرت موسی در قرآن بیش از هر پیامبر دیگری ذکر شده است. یکی از القاب اصلی حضرت موسی، کلیم‌الله است که در این باره گفته شده، خداوند با وی مستقیم و بدون واسطه سخن می‌گفته است و همچنین حضرت موسی مهم‌ترین شخصیت دین یهودیت است؛ به گفته تنخ، او بنی اسرائیل را در زمان خروج از مصر و تا رسیدن به مرز کنعان رهبری کرد. نوشتن تورات (پنج کتاب اول تنخ) به او منسوب است.

ولی اکثر محققان و اندیشمندان غربی او را شخصیتی افسانه‌ای می‌دانند و اعتقاد دارند تورات اثر چندین نویسنده مختلف و محصول قرن‌ها بعد از زمان ادعایی زندگی اوست و موجودیت تاریخی موسی قابل تأیید نیست و پژوهشگران غربی او را شخصیتی افسانه‌ای محسوب می‌کنند از نظر آنان در یافته‌های باستان‌شناسی یا اسناد مصر باستان هیچ اثری از موسی یا افراد مرتبط با او دیده نشده است و برخی داستان‌های زندگی او دارای مضامین قصه‌های عامیانه هستند؛ به خصوص داستان تولدش که نمونه‌های مشابه آن در خاورمیانه باستان رایج بوده و به داستان تولد افراد دیگر، از خدایان مصری مثل حوروس گرفته تا پادشاهان بزرگ مثل کوروش، شبیه است.

## گفتار اول: حضرت موسی(ع) از دیدگاه اندیشمندان غرب

### ۱. موسی در منابع یهودیت

در کتب یهودی و دسته تفاسیر خاخامی معروف به میدراش، همانند کارهای قانون شفاهی یهودی، یعنی میشنا و تلمود، داستان‌های ارزشمند و اطلاعات اضافی درباره موسی وجود دارد. همچنین موسی در سنت یهودی چندین نام مستعار دارد. میدراش، موسی را به عنوان یکی از هفت شخصیت مقدسی می‌داند که نام‌های متفاوتی داشته است. (Rashi to Bava Batra

۱۵s, Chasidah p.۳۴۵)

نام‌های دیگر موسی عبارت بودند از: یکوتهیل (به وسیله مادرش)، آوی سوکو (به وسیله



دایه‌اش) و شائیه بن نتانل (به وسیله مردم اسرائیل).

همچنین نام‌های تویه (به عنوان اولین نام)، و لاوی (به عنوان نام خانوادگی)، همان، مچوکیک (قانون‌گذار)، و اهل گاو ایش نیز به موسی نسبت داده شده‌اند.

یهودیان ارتدوکس موسی را موشه رابنو، اود هاشم، آوی هانویم زیا می‌نامند. او "رهبر ما موشه"، "بنده خدا" و "پدر تمام پیامبران" توصیف شده‌است. از دیدگاه آن‌ها، موسی نه تنها تورات بلکه نسخه (کتبی و شفاهی) و مخفی را دریافت نمود. او همچنین به عنوان بزرگترین پیامبر شناخته می‌شود.

## ۲. سیر زندگانی حضرت موسی از دیدگاه اندیشمندان غربی

۱) مطابق روایت سفر خروج، زمانی که عبرانیان در مصر زیاد و زورمند شدند، فرعون دستور داد نوزادان پسر آن‌ها را بکشند اما یوکابد پسرش را در سبدی قرار داد و در رودخانه رها کرد.

۲) دختر فرعون که آنجا مشغول حمام کردن بود، نوزاد را از آب گرفت و او را موسی نام نهاد و نزد خود در قصر فرعون بزرگ کرد.

۳) در بزرگسالی، موسی یک مصری که مشغول آزار یک عبرانی بود را کشت و به همین جهت به مدین گریخت.

۴) آنجا او با صفورا، دختر یثرون که کاهن مدین بود، ازدواج کرد.

۵) مدتی بعد خدایی به نام یهوه از درون بوته‌ای سوزان با او ارتباط برقرار کرد و از موسی خواست برای نجات اسرائیل، ملت یهوه، به مصر برود. موسی ابتدا تمایل نداشت و بهانه‌هایی آورد اما یهوه نظر او را تغییر داد.

۶) در مصر، موسی و برادرش هارون نتوانستند فرعون را مجاب کنند که به بنی اسرائیل اجازه خروج دهد و به همین جهت یهوه ۱۰ بلا بر مصریان نازل کرد که باعث شد فرعون بپذیرد اسرائیلیان برای تقدیم قربانی به یهوه به بیابان بروند و سپس بازگردند اما اندکی بعد از خروج آنان، تصمیمش را تغییر داد و بنی اسرائیل را تعقیب کرد.



- (۷) بنی اسرائیل میان فرعون و دریا محبوس شدند اما موسی با عصای خود دریا را شکافت و اسرائیلیان توانستند عبور کنند ولی فرعون و سپاه مصر در آن غرق شدند.
- (۸) بعد از خروج از مصر، موسی بنی اسرائیل را به بیابان رهنمون کرد تا در کوه سینا با یهوه ملاقات کنند.
- (۹) آنان ۳ ماه در راه بودند و در این مدت مشکلاتی، از جمله یک جنگ، برایشان پیش آمد اما نهایتاً به یهوه رسیدند.
- (۱۰) یهوه به آنان قول داد اگر از عهد من پیروی کنید، اسرائیل ملت مقدس من خواهد بود. بنی اسرائیل پذیرفتند و یهوه ده قانون برایشان وضع کرد
- (۱۱) اما با طولانی شدن غیبت موسی که بالای کوه رفته بود تا لوح‌های سنگی فرامین را بگیرد، هارون گوساله‌ای طلایی ساخت تا جایگزین یهوه باشد. یهوه که مطلع شد، تصمیم گرفت آنان را نابود کند و با استفاده از موسی ملت عظیم‌تری برای خودش بسازد اما موسی او را آرام کرد.
- (۱۲) موسی به پایین کوه که بازگشت، ۳۰۰۰ نفر را به عنوان مجازات قتل عام کرد. سپس اسرائیلیان حرکت به سمت ارض موعود را ادامه دادند و در راه با دردهای مواجه شدند که گاه یهوه را خشمگین کرد و هر بار موسی او را تسکین داد. سرگردانی آنان در بیابان ۴۰ سال طول کشید و نهایتاً، موسی در موآب مطلع شد که مرگش نزدیک است و به مقصد نخواهد رسید؛ او از یهوه خواست که نظرش را تغییر دهد اما پذیرفته نشد. یهوه او را بالای کوه برد تا به ارض موعود بنگرد. موسی همان‌جا در ۱۲۰ سالگی مرد و توسط یهوه در مکانی نامعلوم دفن شد. بعد از مرگ موسی، جانشینش یوشع حمله به کنعان و فتح آن را رهبری کرد.

## ۲. دیدگاه‌های انتقادی اندیشمندان غرب به حضرت موسی

تا قبل از عصر روشنگری و شکل‌گیری دیدگاه تاریخی انتقادی نسبت به کتاب مقدس، تصور می‌شد که شخص موسی تورات را نوشته‌است. در عصر روشنگری، انتساب تورات به موسی زیر



سؤال رفت و در عوض، این عقیده رایج شد که چندین نویسنده در دوره‌ای بسیار متاخرتر آن را نوشته‌اند و وقایع زندگی موسی رنگ افسانه به خود گرفت. بعد از کشف حجم وسیعی از اسناد و آثار مصر باستان توسط باستان‌شناسان، امیدها برای یافتن شخصیت تاریخی موسی از نو زنده شد؛ با این وجود، بعد از ۱۵۰ سال تحقیقات مستمر، مشخص شد که در هیچ‌کدام از اسناد مصری به موسی و داستان خروج بنی اسرائیل اشاره‌ای نشده است. اطلاعات موجود در کتاب مقدس هم در یافتن ارتباط میان دوره موسی و یکی از ادوار تاریخ مصر باستان هیچ کمکی نمی‌کند. روایت حتی نام فرعون را هم مشخص نکرده است.

#### ۱-۲. فیلیپ دیویس و نیلز پیتر لمچ

فیلیپ دیویس و نیلز پیتر لمچ، به سفر خروج به عنوان یک داستان تخیلی می‌نگرد که در زمان هخامنشیان یا حتی قبل‌تر و بدون هیچ اشاره‌ای به موسی تاریخی، ایجاد شده است.

#### ۲-۲. یوسفوس فلاویوس

بحث پیرامون تاریخچه خروج مدت‌هاست که بدون هیچ نتیجه قطعی، در حال ادامه است. برای مثال مان‌تو در داستانی تحریف شده که توسط یوسفوس فلاویوس بیان شده است، می‌گوید که موسی در اصل یک کشیش از دین خارج شده به نام یوزارسیف بود که جذام را در خارج از آواریس گسترش داد. (Exodus. Cambridge University Press, 2005).  
(.Press. p. 3. ISBN 978-0-521-00291-2)

#### ۳-۲. فینکلشتاین

اما فینکلشتاین بیان می‌کند، در کتابی که در همان زمان بسیاری از محققان «خروج» بدان اشاره می‌کردند، مصر در قله شکوه خود به سر می‌برد، و دارای مجموعه‌ای از قلعه‌ها برای محافظت از مرزها و ایستگاه‌های بازرسی به مسیر کنعان بود. این بدان معناست که خروج در مقیاس ذکر شده در تورات غیرممکن بوده است. (Finkelstein, Israel and Silberman, Neil Asher).  
(The Bible Unearthed. New York: Free Press. ISBN 0-684-86912-8)



#### ۴-۲. ویلیام دور

درحالی که داستان عمومی خروج و فتح سرزمین موعود ممکن است در وقایع تاریخی ریشه داشته باشد، نقش موسی به عنوان رهبر بنی اسرائیل در این وقایع قابل اثبات نیست. ویلیام دور با ریشه کنعانی بنی اسرائیل موافق است، ولی محتمل می‌شمارد که برخی مهاجران مصری به شکل موسی در ۱۲۵۰-۱۲۰۰ فرارادن را ترک کرده باشند. (Bayer ۲۰۰۷, p. ۵۴۰-۵۴۱, Moses).

#### ۵-۲. مارتین نورث

مارتین نورث بیان می‌کند که دو گروه مختلف وقایع خروج و سینا را تجربه کرده‌اند، و هر یک از آن‌ها مستقل از دیگری، داستان خود را انتقال داده‌اند، او می‌نویسد، «داستان کتاب مقدس عبرانی از مصر به کنعان را دنبال می‌کند که از بافنده‌ای مشترک که زمینه‌ها و سنت‌هایی مختلف را پیرامون شخصیت موسی ایجاد می‌کند، ساخته شده‌است.» (Moses. " Encyclopædia Britannica. ۲۰۰۷. Encyclopædia Britannica Online)

#### ۶-۲. کرنلیوس تیله

«فرضیه کنیت» که در سال ۱۸۷۲ توسط کرنلیوس تیله مطرح شده‌است، فرض می‌کند که تصویر موسی بازتاب یک کشیش مدین از یهوه است، که دین او به وسیله کنیت، از کنعان جنوبی به اسرائیل گسترش یافته‌است. این ایده بر اساس یک سنت قدیمی است که بیان می‌کند پدر قانونی موسی یک کشیش از یهوه بود، که یادواره‌ای از ریشه مدین خدا را حفظ می‌کرد. درحالی که نقش کنیت در انتقال فرقه بسیار قابل قبول است، دیدگاه تیل درباره نقش تاریخی موسی در تحقیقات مدرن کمتر مورد حمایت قرار گرفته‌است. (DDD (۱۹۹۹:۹۱۱).

ویلیام آلبرت دیدگاه مطلوب‌تری در مقابل دیدگاه مربوط به موسی دارد، اساس داستان‌های کتاب مقدس را پذیرفته، اما تأثیر قرن‌ها انتقال شفاهی و کتبی را شناسایی کرده‌است، که موجب به دست آوردن لایه‌های یک پارچگی می‌شود.. (" Encyclopædia Britannica. ۲۰۰۷. Encyclopædia Britannica Online)



## ۷-۲. زیگموند فروید

زیگموند فروید در آخرین کتاب خود، موسی و یکتاپرستی در سال ۱۹۳۹، بدیهی دانست که موسی یک اشراف‌زاده مصری و پیرو یکتاپرستی آخناتون بود. به دنبال تئوری مطرح شده توسط منتقدان امروزی، فروید اعتقاد دارد که موسی در صحرا به قتل رسید، و حس جمعی پدرکشی که همواره در قلب یهودیان قرار داشت، ایجاد شد. او نوشت، «یهودیت آیین پدر و مسیحیت آیین پسر شده بود.» ریشه مصری موسی و پیام‌هایش مورد توجه پژوهش‌گران فراوانی قرار گرفته است.

بر خلاف این دیدگاه، آیین موسی در تمام جنبه‌ها به جز ویژگی اصلی، یعنی پرستش خدای یگانه، با آیین آتون‌پرستی مختلف است، البته این موضوع برای مثال در مناجات بزرگ با آتن و مزامیر ۱۰۴ به طور گسترده‌ای مورد بحث قرار گرفته است.

تفسیر فروید از موسی تاریخی این است که او بین تاریخ‌نگاران مورد قبول واقع نشده است، و بسیاری به صورت شبه تاریخی به او می‌نگرند. (Freud, Richard J. Bernstein, ۱۹۹۸).  
and the Legacy of Moses. New York: Cambridge University Press. ISBN ۰-۵۲۱-۶۳۰۹۶-۷

## ۸-۲. توماس پین دادارباور

در اواخر قرن ۱۸ ام، توماس پین دادارباور در کتاب عصر خرد درباره مدت قوانین موسی اظهار نظر نموده، و اینگونه بیان کرده است که «شخصیت موسی، همان‌طور که در کتاب مقدس ذکر شده، بسیار ترسناک است.» او برای اثبات این موضوع به یکی از داستان‌های کتاب مقدس اشاره می‌کند. در قرن ۱۹ ام، رابرت اینگرسول ندانم‌گرا نوشت «... که تمام این ندانم‌کاری‌ها، بدنامی‌ها، سنگ‌دلی‌ها و کارهای زشت که در کتب پنجگانه عهد عتیق ذکر شده‌اند، سخنان خداوند نیستند، بلکه، آن‌ها اشتباهات موسی می‌باشند.» در قرن بیست و یکم، ریچارد داوکینز خدا ناباور، با توجه به روایتی از کتاب مقدس، به نتیجه رسید که، «نه، موسی الگویی برای اخلاق مدرن نیست.» (Robert G. Ingersoll, Some Mistakes of Moses chapter XXIX)



## گفتار دوم: حضرت موسی (ع) از دیدگاه قرآن

از دیدگاه قرآن به طور کلی زندگی این پیامبر بزرگ یعنی موسی بن عمران را در پنج دوره می‌توان خلاصه کرد:

### ۱. دوران تولد و کودکی و پرورش در خانه فرعون

پس از تولد موسی مادرش از ترس فرعون او را به دریا نیل انداخت و تابوت (صندوق) موسی را کنیزان آسیه از آب بیرون آوردند و «در منزل فرعون همه دانشمندان که بر فنون و قواعد مصریان مهارت داشتند برای تربیت او گمارده شدند» (- علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۴۵، ص ۷۸ - ۸۰) به روایت کتابهای اسلامی آسیه زن فرعون و یا (کنیزان) که برای گردش به کنار رود نیل آمده بودند صندوق را از آب گرفتند و موسی را در آن دیدند دلشان به حالش سوخت و آسیه او را به فرزندی خویش برگزید و به تربیت او پرداخت موسی در دوره کودکی و جوانی در خانه فرعون با کرامت زندگی نمود تا بعد بلوغ رسید روزی موسی از خانه بیرون رفته و وارد شهر مصر شد و دو نفر با هم نزاع می‌کرد یکی از موسی طلب یاری نمود موسی به مرد قبطی ضربه ای وارد کرد مرد قبطی همان دم مرد روز بعد نیز چنین صحنه ای پیش آمد موسی می‌خواست به مظلوم کمک کند مرد قبطی گفت ای موسی تو می‌خواهی مثل دیروز کشتی و امروز مرا هم می‌کشی (- سید محمد حسین حسینی همدانی، انوار درخشان، ج ۱۲، ص ۲۰۵) وقتی موسی متوجه شد ماجرای دیروز افشا شده است و دستگاه حاکم فرعون حکم قتل او صادر شده بود و در صدد دست‌گیری او بودند مردی از دور دست شهر خود را به سرعت به موسی رساند و گفت ای موسی فرعون و دستگاه او در پی قتل به مشورت نشسته است فوراً از شهر خارج شوید (- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۵۱) موسی طبق توصیه بعضی از دوستانش مخفیانه از شهر مصر بیرون آمد و به سوی مدین شتافت (احمد علی بابایی، برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۲۱)

### ۲. دوران فرار او از مصر و زندگی در محضر شعیب پیامبر

حضرت موسی (ع) ترسان از شهر مصر خارج شد «فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ» و به سوی شهر



مدین رهسپار گردید و وارد آب (چاه) مدین رسید دو دختر را دید منتظر بودند که چوپانها خارج شوند موسی به دختران شعیب کمک کرد و گوسفندان آنها آب داد سپس در زیر سایه درخت استراحت نمود ناگهان یکی از آن دو دختر به سراغ او آمد و گفت پدرم تو را دعوت نموده است موسی نزد شعیب آمد و وارد خانه شعیب شد (ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۵۵)

حضرت شعیب (ع) گفت از کجا می آیی؟ چه کاره ای؟ در این چه می کنی؟ موسی ماجرای خود را برای شعیب باز گو کرد شعیب گفت  
 «قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتُ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (سوره قصص آیه ۲۵) گفت: «نترس، از قوم ظالم نجات یافتمی! (سرزمین ما از قلم رو آنها بیرون است، و آنها دسترسی به اینجا ندارند، کمترین وحشتی به دل راه مده تو در یک منطقه امن و امان هستی از غربت و تنهای رنج نبر همه چیز به لطف خدا حل می شود» - ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۵۹) یکی از آن دو دختر (صفورا نام داشت) گفت پدرم او را استخدام کن او آدم توانمند و امین است  
 «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» (- سوره قصص آیه ۲۶).  
 «یکی از آن دو (دختر) گفت: «پدرم! او را استخدام کن، زیرا بهترین کسی را که می توانی استخدام کنی آن کسی است که قوی و امین باشد (و او همین مرد است) شعیب گفت من می خواهم یکی از این دو دختر را به همسری تو در می آورم به این شرط که هشت سال برای من کار کنی و اگر آن را تا ده سال افزایش دهی محبتی از ناحیه تو است موسی پیشنهاد شعیب را پذیرفت و بر اقرار شان (ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۶۶) خدای متعال را در آنچه بین خود شرط و پیمان بستند، وکیل گرفتند که به طور ضمنی او را گواه هم گرفتند و موسی به همین سادگی داماد شعیب شد و مدت ده سال به عنوان اجیر و چوپان در خانه شعیب خدمت می کرد. (سید محمد باقر موسوی همدانی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۲۰۹)

۳. دوران بعثت و درگیری با فرعون



هنگامی که موسی (ع) مدت قرار داد خود را به پایان رسانید و همراه خانواده خود از مدین

بسوی مصر روانه شد در بین راه شب بسیار تاریک و هوای سرد و بارانی زنش درد زائیدن گرفته بود از جانب طور آتشی مشاهده کرد او به سوی آتش حرکت نمود وقتی نزدیک آن محل رسید ناگهان از ساحل راست وادی در آن سر زمین با برکت از میان یک درخت ندایی شنید که می فرمود

«فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» (سوره قصص آیه ۳۰).

هنگامی که به سراغ آتش آمد، از کرانه راست دژه، در آن سرزمین پر برکت، از میان یک درخت ندا داده شد که: «ای موسی! منم خداوند، پروردگار جهانیان.

موسی به شنیدن آن صدا و دیدن آن بزرگی و شکوه دانست که او خدای بزرگ است در مقابل عظمت خدا دل موسی(ع) به تپش افتاد و زبانش بند آمد و قوای بدن به ناتوانی بدل شد خداوند فرشته ای نازل کرد که قلب او را قوت بخشید و نیروی بدن را به حالت اول باز گردانید و بار دیگر ندا داد و فرمود (- ابو القاسم حالت، عباس خلیلی، ترجمه الکامل، ج ۲، ص ۲۱۰)  
«إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى». (سوره طه ۱۲) من پروردگار توام! کفشهایت را بیرون آر، که تو در سرزمین مقدس «طوی» هستی!

بار دیگر او را خطاب نمود و بشارت داد که من تو را به مقام نبوت و رسالت برگزیده است و آنچه می شنود وحی الهی است  
«وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى» (همان آیه ۱۳). و من تو را برگزیده‌ام. پس به آنچه وحی می شود گوش فرا دار.

بعد خداوند برای دلداری موسی و از میان بردن خوف و هراس ایشان خطاب کرد و فرمود  
«وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَى؟» (- همان / ۱۷) ای موسی، آن چه به دست راست هست چیست؟

موسی پاسخ داد:



«قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّؤُا عَلَيْهَا وَأَهْشُبْ بِهَا عَلٰى غَنَمِيْ وَلِيْ فِيْهَا مَارِبٌ أُخْرٰى» (همان / ۱۸)

موسی گفت: این عصای من است. بر آن تکیه می‌کنم و برای گوسفندانم با آن برگ می‌ریزم. و مرا با آن کارهای دیگر است.

خداوند متعال برای اثبات نبوتش دو معجزه بزرگ متناسب با آن زمان به او عطا نمودند

(۱) - عصا یعنی چوب دستی که تبدیل به مار و اژدها می‌شود

(۲) - ید بیضاء یعنی: دست درخشانده و نورانی به او عطا شد. این دو دلیل روشن و برهان قاطع

را به موسی موهبت فرمود سپس دستور تبلیغ و انجام امر رسالت را صادر نمود و فرمود «اَذْهَبْ اِلٰى فِرْعَوْنَ اِنَّهُ طَغٰى» (سوره طه آیه ۲۴ و سوره نازعات آیه ۱۷) به سوی فرعون برو که طغیان و سرکشی کرده است.

پس از دستور تبلیغ از سوی پروردگار موسی از خدا خواست و دعا کرد که کار تبلیغ بر او آسان گردد و برادرش هارون را وزیر خود قرار دهد خدای عز و جل این تقاضای موسی را اجابت فرمود و هارون را به پیامبری برگزید و در امر رسالت شریک کار او قرار داد

موسی (ع) همراه هارون (ع) برای هدایت حکومت جبار و خود خواه فرعون و قومش وارد دربار فرعون شد و دستور خالق یکتا را به گوش آنان رسانید و فرمود «وَقَالَ مُوسٰى يَا فِرْعَوْنُ اِنِّیْ رَسُوْلٌ مِّنْ رَّبِّ الْعٰلَمِیْنَ» (سوره اعراف آیه ۱۰۴) موسی گفت: ای فرعون، من پیامبری از جانب پروردگار عالمیانم.

فرعون گفت اگر حجت و برهان و نشانه ای در صدق گفتار تان دارید بیارید موسی (ع) گفت بلی ما از طرف رب العالمین برهان قاطع دلیل روشن و معجزه آشکار برای تو آوردیم که در شهادت حقانیت ما کافی است

«قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَیِّنَةٍ مِّنْ رَبِّکُمْ» (همان آیه ۱۰۵). من همراه با معجزه‌ای از جانب پروردگارتان آمده‌ام.

فرعون گفت پروردگار تو کیست؟ موسی در جواب او فرمود

«قَالَ رَبُّنَا الَّذِیْ اَعْطٰی کُلَّ شَیْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدٰى» (سوره طه آیه ۵۰)



گفت: «پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی، آنچه را لازمه آفرینش او بوده داده

سپس هدایت کرده است و نسبت به راههای تحصیل روزی و امر معاش و تحصیل مسکن و تولید نسل و جلب منفعت و دفع مضرت و آنچه در زندگی مورد نیاز است راه را نشان داد از این طریق موسی شروع به موعظه کرد

ابتدا به توصیف و تمجید پروردگار پرداخت سپس نعمت های او به مخلوقات عطا نموده را یکی یکی شمرد و گفت خداوند کسی است که عالم و آنچه در آن هست خلق نمود و موجودات را بسوی نفع و ضرر شان هدایت کرد و در ساحت رب العالمین خطا و اشتباه و فراموشی و سهو و نسیان راه ندارد سپس نعمت های رازق العباد را بر شمرد و گفت: پروردگار من زمین را مثل گهواره قرار داد و در آن راه ها قرار داد و از آسمان آب باران می بارد و از زمین نباتات (گیاهان مختلف می رویاند و از این گیاهان استفاده کنید بخورید و بچرانید و قدرت نمائی خدا بسیار است . و مشاهده کنید که ما از همین خاك خلق شدیم و به همین خاك بر می گردیم صحبتها تا به اینجا که رسید فرعون و فرعونیان (درباریان) گفتند این سحر است و تکذیب شان کردند و به خدای حقیقی ایمان نیاوردند (سید عبد الحسین طیب ، اطیب البیان فی تفسیر القرآن ، ج ۹ ، ص ۴۱- ۴۹) و فرعون گفت :

«قَالَ أَجِئْتَنَا لِنُخْرِجَكَ مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَا مُوسَى» (سوره طه آیه ۵۷) . گفت: «ای موسی! آیا آمده ای که با سحر خود، ما را از سرزمینمان بیرون کنی؟! موسی و هارون را به جادوگری متهم کرد که این شیوه قدیمی طاغوتها است چون از دلیل عاجز ماندند حق پرستان را به فتنه جویی و سحر متهم می کنند (سید علی اکبر قرشی ، تفسیر أحسن الحدیث ، ج ۶ ، ص ۴۱۰)

۱-۳. موسی و جادوگران

فرعون و فرعونیان گفتند: ما هم مانند تو سحری و جادو می آوریم (حسین بن علی ابوالفتح رازی ، تفسیر روض الجنان و روح البیان ، ج ۱۳ ، ص ۱۵۹) و دستور داد همه جادوگران ماهر را جمع کنند تا در مقابل حجت خدا مقابله نمایند و در «یوم الزینه» روز عید مقرر گردید در آن روز همه جادوگران جمع شدند و حضرت موسی و هارون نیز حضور داشتند فرعون رو به



جمعیت انبوه کرد و گفت این دو مرد جادوگر هستند می خواهد شما را از سر زمین مصر با

جادوی خویش بیرون کنند (سید محمد باقر موسوی همدانی، ترجمه المیزان، ج ۸، ص ۲۷۲)

جادوگران گفتند ای موسی تو شروع می کنی یا ما کار خود مان را شروع کنیم؟ حضرت موسی (ع) فرمود بلکه شما ابتداء کنید و آنچه همراه خود دارید بیاندازید ( - محمد بن حسن طوسی، تفسیر التبیان، ج ۷، ص ۱۸۶ ) ساحران وسائل جادوی خود شان از قبیل طناب و ریسمان که همرا آورده بودند انداختند پس چنان نمایش دادند که طنابها به حرکت آمدند و راه افتادند (سید عبد الحسین طیب، اطیب البیان فی تفسیرالقران، ج ۹، ص ۵۹) پس از دیدن این صحنه مختصر ترسی در دل آن حضرت افتاد در روایت امام جعفر الصادق (ع) نقل شده است که موسی به محمد و آل محمد متوسل شد و امان طلبید

«إِنَّ مُوسَى لَمَّا أَلْقَى عَصَاهُ وَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً قَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا آمَنْتَنِي فَقَالَ لَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى» (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۱۰۰) خطاب رسید ای موسی نترس آنچه آنها ساخته انده نیرنگ و شعبده و مکر و حيله است تو عالی هستی آنچه در دست راست داری بینداز  
 «وَأَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدٌ سَاحِرٌ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى» (سوره طه آیه ۶۹) و آنچه را در دست راست داری بیفکن، تمام آنچه را ساخته اند می بلعد! آنچه ساخته اند تنها مکر ساحر است و ساحر هر جا رود رستگار نخواهد شد!

وقتی خبر غلبه و پیروزی را از ناحیه رب دریافت نمود بی درنگ عصای خود را نداشت  
 «فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ» (سوره الاعراف آیه ۱۰۷ و سوره الشعراء آیه ۳۲ و ۴۵) «در این هنگام موسی عصای خود را افکند ناگهان آن (مار عظیم) اژدهایی آشکار شد.

ناگهان عصای موسی به مار بسیار بزرگ و عظیم الجثه ای (اژدها) تبدیل گشت و با سرعت اسباب و آلات جادوگری و شعبده و مکر و حيله و وسائل دروغین آنها (ریسمانها و چوبها که حدودا سیصد بار شتر می شد) (ابوالفضل داور پناه، أنوار العرفان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴،



ص ۴۲۱) همه را بلعید ولی متعرض مردم نشد گویا مأموریتش فرو بردن سحر ساحران

ریسمانها و چوبها بوده است

ساحران وقتی این صحنه را دیدند دهشت زده شدند و فهمیدند که کار موسی (ع) سحر نیست بلکه این معجزه و قدرت نمائی حق است ساحران همگی به سجده افتادند و به یک صدا گفتند مابه پروردگار هارون و موسی ایمان آوردیم .

«فَأَلْقَى السَّحَرَةُ سَجْدًا: قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَى» (سوره طه آیه ۷۰)

ساحران همگی به سجده افتادند و گفتند: «ما به پروردگار هارون و موسی ایمان آوردیم!» موسی بر جادوگران ماهر زمانش چیره گشت و حق پیروز شد و باطل که فرعون و فرعونیان بودند مغلوب شدند و اعمال آنها که بی اساس و نادرست بودند باطل گردید مثال شان مصداق این آیات قرآن قرار گرفت

«فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (سوره اعراف آیه ۱۱۸) (در این هنگام)، حق آشکار شد و آنچه آنها ساخته بودند، باطل گشت.

«وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (سوره اسراء آیه ۸۱) و بگو: «حق آمد، و باطل نابود شد یقیناً باطل نابود شدنی است!»

## ۲-۳. داستان عصای موسی

عصای موسی از چوب آس بود حضرت آدم از بهشت آورده بود به میراث پیامبران به شعیب رسیده بود این عصا با چهل عصای دیگر که میراث انبیاء گذشتگان بودند همگی در خانه شعیب نگه داری می شد طول عصا موسی دوازده زراع و بنابر نقل دیگر ده زراع (که تقریباً پنج متر می باشد) به اندازه قامت خود موسی بود حضرت امام باقر (ع) میفرماید

«كانت عصی موسی لأدم فصارت الى شعیب ثم صارت الى موسی بن عمران و انها لعتدنا و انها لتتطوق اذا استنطقت و تصنع ما تؤمر به». (محمد بن حسن بن فروخ صفار، بصائر الدرجات، ص ۱۸۳)

وقتی موسی اجیر شعیب شد میخواست گوسفندان را به چرا گاه ببرد شعیب به دختر خود گفت



برو در آنخانه چند عصا هست يك عصا برای موسی بیار او يك عصا برداشت و به موسی داد

شعیب گفت این عصا را بر گردان يك عصا دیگر بیاور دختر رفت باز هم همین عصا بدستش آمد سه مرتبه تکرار شد بالاخره عصا را به موسی داد و او رفت شعیب پشیمان شد دنبال موسی رفت و به او گفت این عصا پیش من امانت است اگر مالک عصا بیاید و تقاضای عصا خود کند خوب نیست تو يك عصای دیگر بدست بگیر و این عصا برگردان موسی گفت این عصا اندازه من و مناسب و موزون می باشد و دلم نمی آید آن را از دست بدهم شعیب و موسی گفتند پس میان ما کسی باید قضاوت کند هر دو اتفاق نمودند که اولین کسی رسید او حاکم ما است خداوند فرشته ای به صورت مردی فرستاد ایشان قصه عصا را در میان گذشته و گفتند میان ما حکم کن او گفت حکم من آنست که هر که این عصا را از زمین بردارد عصا مال او است ابتدا شعیب می خواست عصا را بردارد نتوانست و موسی عصا را از زمین برداشت عصا از آن او شد (حسین بن علی ابوالفتح رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۱۲۴)

### ۳-۳. عجائب و معجزات عصای موسی

- ۱- یکی از معجزات مهم موسی عصای او می باشد که آن عصا تبدیل به اژدها و مار می شد و سحر همه ساحران را بلعید
- ۲- موسی در زمان خستگی به عصا تکیه می داد و رفع خستگی می کرد
- ۳- برگ درختان را برای گوسفندان فرو می ریخت
- ۴- زاد و توشه خود را بر آن بار می کرد
- ۵- اگر به آب نیاز می شد عصا را بر زمین فرو میبرد آب از زمین بیرون می آمد
- ۶- اگر گرسنه می شد آن را بر زمین می زد غذا از زمین بیرون می آمد
- ۷- حیوانات درنده را از گوسفندان دور می کرد یعنی نگاه بانی می کرد
- ۸- اگر دشمن برایش پیدا می شد با او می جنگید
- ۹- گاهی این عصا دلو و ریسمان می شد و از چاه آب بیرون می کشید



۱۰- شبهای تاریک مانند شمع روشن می شد و نور می داد

۱۱- با موسی گفتگو می کرد و انیس او بود

۱۲- اگر به زمین نشیب می رسید عصا بلند می شد اگر به جای بلندی می رسید عصا کوتاه می شد

۱۳- درختان بلند را پائین می کشید تا برگ آن بریزد

۱۴- اگر موسی میوه می خواست عصا را به زمین فرو می کرد فوراً شاخ برگ پیدا می شد و میوه می داد این بود معنی قول موسی که می گفت: «قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّؤُا عَلَيْهَا وَ أَهْشُبْ بِهَا عَلَى غَنَمِي وَلِي فِيهَا مَأْرَبٌ أُخْرٰی» (سوره طه آیه ۱۸)

گفت: «این عصای من است بر آن تکیه می کنم، برگ درختان را با آن برای گوسفندانم فرو می ریزم و مرا با آن کارها و نیازهای دیگری است.

۴. دوران نجات بنی اسرائیل از چنگال فرعون

فرعون بعد از ایمان آوردن ساحران آنان را به توطئه و تباری قبلی با موسی متهم کرد و آنان را با این دستاویز به شدید ترین وجهی مجازات نمود.

فرعون دست و پاهای آنان را بر خلاف هم قطع کرد و در مرتبه دوم به دار زد ( - سید محمد باقر موسوی همدانی ، ترجمه المیزان . ج ۸ ، ص ۲۷۶ ) تا کسی جرئت مخالفت با حکومت و خدائی او را نداشته باشد به این ترتیب اولین گروه تازه ایمان آورنده گان که در آغاز روز کافر بودند در آخر روز خدا پرست شدند و با نابرابری به شهادت رسیدند پس از پیروزی موسی و ایمان آوردن ساحران ، خربیل یا مؤمن آل فرعون ایمانش را آشکار ساخت زن او آرایشگر دختر فرعون بود هنگامی که مشغول آرایش بود شانه از دستش افتاد موقع برداشتن بسم الله بر زبان آورد دختر فرعون پرسید منظورت پدر من است ماشطه گفت نه خیر بلکه خدای است که پروردگار من و تو و پدرت می باشد دختر فرعون ایمان ماشطه را به فرعون گزارش داد فرعون این زن را به همراه فرزنداناش به تنور انداخت در پی این جنایت آسیه زن فرعون به فرعون اعتراض کرد و گفت «وای بر تو به چه جرئتی با خدا در افتاده ای؟» به دستور فرعون آسیه را به



چهار میخ کشیدند هنگامی که او شکنجه می شد به درگاه خداوند دست به دعا برداشت و گفت

:

«وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (سوره تحریم آیه ۱۱)

و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است، در آن هنگام که گفت: «پروردگارا! خانه‌ای برای من نزد خودت در بهشت بساز، و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش!» و به این ترتیب آسیه را نیز به شهادت رسانید

#### ۱-۴. بلاهای پی در پی و رنگارنگ

وقتی مردم به موسی ایمان آوردند فرعون دستور داد هرچه تمام تر بنی اسرائیل را در مضیقه و تنگنا قرار دهند و وضع مردم بنی اسرائیل به بدترین وضع رسیده بود (ابوالقاسم حالت، عباس خلیلی، ترجمه الکامل، ج ۲، ص ۲۲۵-۲۳۱) و غیر قابل تحمل شده بود بنی اسرائیل به موسی شکایت کردند خداوند اولین بلاء (که طوفان می باشد) بر فرعون و فرعونیان نازل کرد شرینی سلطنت و رفاه و آسایش در کام شان تلخ شد و در روایتی از امام جعفر الصادق (ع) نقل شده است که علت گرفتاری فرعون و قبطیان را به بلاء های گوناگون این طور بیان نموده است در پی غلبه موسی (ع) بر ساحران مردم کیش فرعونیان را ترک کرده و به وحدانیت ذات خداوند روی آوردند هاما وزیر فرعون گفت هر که به موسی ایمان بیاورد او را باید زندانی کرد وقتی خدا پرستان را محبوس کردند موسی برای رهای قوم بنی اسرائیل (زندانیان) پیش فرعون رفت همراه با نه نشانی واضح و آشکار

«وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فَمَسَّاهُ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا مُوسَى مَسْحُورًا» (سوره الاسراء آیه ۱۰۱)

ما به موسی نه معجزه روشن دادیم پس از بنی اسرائیل سؤال کن آن زمان که این (معجزات نه گانه) به سراغ آنها آمد (چگونه بودند)؟! فرعون به او گفت: «ای موسی! گمان می کنم تو دیوانه (یا ساحری)!» و متقاضی رهای آنان شد فرعون اجابت نکرد و هم چنان بر کفر باقی ماند و بنی



اسرائیل را نیز رها نکردند خداوند عذاب و بلاء های گوناگون بر فرعون و فرعونیان نازل کرد  
شاید باز آیند (محمد ثقفی تهرانی، تفسیر روان جاوید، ج ۲، ص ۴۶۶)

#### ۱-۱-۴. آفت میوه جات و خشکسالی

«وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَ نَقْصٍ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذْكُرُونَ» (اعراف/۱۳۰)

و ما نزدیکان فرعون (و قوم او) را به خشکسالی و کمبود میوه ها گرفتار کردیم، شاید متذکر گردند!

رود نیل همه سر زمین های مصر را سیراب می کرد و قوم فرعون به وجود رود نیل می بالید و باران مراتعشان را سر سبز کرده بود بستانهای شان را پر از درختان میوه ساخته بود ولی خداوند باران را قطع کرد هر چه باغ و بستان بود خشکید کمبود میوه ها (آفتی میوه ها فراگرفته یا عدم نزول باران باعث کم بود میوه شده باشد) در شهرهای آنها بوجود آمد ( - مترجمان، تفسیر هدایت، ج ۳، ص ۳۶۲-۳۶۳) هفت سال نباتات زمین و میوه درختان را از ایشان بازگرفت (ابوبکر عتیق بن محمد سور آبادی، تفسیر سور آبادی، ج ۲، ص ۷۹۲) این بلا بعلت نیامدن باران و کثرت آفات و تلف شدن غلات دامنگیر آنان گردید شاید متذکر شوند (محمد جواد نجفی خمینی، تفسیر آسان، ج ۵، ص ۳۱۱) ولی فایده ایی در بر نداشت خداوند دومین بلاء را نازل کرد

#### ۲-۱-۴. بلاء طوفان آب و سیلابهای کوبنده

«فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ» ( - سوره اعراف آیه ۱۳۳) بلاء (عذاب) طوفان آب نازل کردیم

در معنای طوفان اختلاف کردند و بعضی گفتند طوفان آبله بود و بعضی گفتند طوفان مرگ و موت فراوان بود. و مشهور گفتند طوفان آب بود که آن قدر از آسمان باران بارید بر قوم فرعون ولی در همسایه آنها بنی اسرائیل که بودند یک قطره آب باران اصابت نکرد (سید عبدالحسین طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۴۳۶) و رود نیل طغیان کرد و سیل جاری شد خانه های قوم فرعون را آب فرا گرفته و همه خانه ها ویران کرد و آنها به ناچار در بیابان خیمه زدند ( - ملا محسن فیض کاشانی، الأصفی فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۹۶)



### ۱-۳-۴. بلاء ملخ آفت مزارع و کشت زارها

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ.....وَالْجَرَادَ ملخ فرستادیم (تا زراعات و آنچه از برگ و میوه درختان سر سبز بود بخورد خداوند برای بیداری قوم فرعون بلاء های رنگا رنگ فرستاد از جمله ملخها (الجراد) را فرستاد که تمام زراعتها را خوردند حتی درب خانه ها و لباسها و اثاثیه را نیز خوردند و در بعضی نقل ها ملخهای ریز و بی بال فرستاد در مدت کوتاهی همه چیز را خوردند و زمین را عریان کردند آنها بدترین نوع ملخها بودند ولی در خانه های بنی اسرائیل وارد نمی شدند (عجب باهوش و فرمان بردار بودند) فقط قوم فرعون به مدت هفت روز به این بلاء مبتلاء شدند فرعون به موسی گفت اگر ملخها را دفع کنی بنی اسرائیل را آزاد می کنم موسی با عصای خود به شرق و غرب اشاره کرد همه ملخها باز گشتند و ناپدید شدند ( - مترجمان ، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن ، ج ۱۰ ، ص ۲۶ - ۲۷ ) باز هم عصیان گران از کفر خود دست بردار نشدند

### ۱-۴-۴. فرعونیان گرفتار بلاء شپش

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ.....وَالْقُمَّلَ: قمل یعنی برغوث به عبارت دیگر شپش است که ساق زراعت را فاسد می کند (ابوالفضل داور پناه ، أنوار العرفان فی تفسیر القرآن ، ج ۱۵ ، ص ۲۰ ) سعید بن جبیر گفته است قمل همان شپشی است که به حبوبات می افتد، و این بلا شدیدترین بلائی بود که قوم عاصی را به آن دچار ساخت و نه تنها حبوبات آنان به خطر افتاد بلکه موی بدن و حدقه و پلک چشم و ابرو های آنان نیز دستخوش این بلا شد. آرامش و خواب از آنان سلب شدند و از موسی تقضای رفع و دفع آن نمودند و موسی دعا کرد قملها که هفت روز تمام از شنبه تا شنبه بر آنها مسلط شده بود بر طرف شد ولی به قول خود وفا نکرد خداوند قهار بلاء دیگری فرستاد ( - سید محمد باقر موسوی همدانی ، ترجمه المیزان ، ج ۸ ، ص ۲۹۵ )

### ۱-۵-۴. بلاء قورباغه و زندگی با وزع

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ.....وَالضَّفَادِعَ: خداوند این حیوان (وزع) قورباغه را بر قوم فرعون آن چنان مسلط



ساخت که همه جای خانه ظرفهای غذا و ظرف آب پر از قورباغه می شد اگر کسی دهن باز می

کرد قورباغه به دهن شان داخل می شد اگر کسی می خوابید همه بدن او پر از قورباغه می شد و نمی توانست از این به آن پهلوی برگردد ( ) خلاصه غیر از قورباغه چیزی پیدا نمی شد قوم فرعون به زندگی سخت و مشقت دچار شدند خدمت حضرت موسی آمدند و گریه زاری کردند و قسم خوردند دیگر خلاف نمی کنیم موسی دعا کرد خداوند متعال این عذاب را هم چون عذاب های گذشته يك هفته بعد برطرف کرد لیکن غافل دلان به راه راست برنگشتند خداوند عذاب سخت تری نازل کرد (حسین بن علی ابوالفتح رازی ، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن ، ج ۸ ، ص ۳۵۸)

#### ۶-۱-۴. تبدیل به خون شدن آب

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ... وَالدَّم : خداوند خون بر قوم قبطیان مسلط ساخت آب رود نیل در کام قوم فرعون تبدیل به خون می شد همه آبها خون شدند اگر بنی اسرائیل آب می خورد آب بود ولی اگر قبطیان می خواستند بخوردند به خون تبدیل می شد قبطیان پیش فرعون آمدند و گفتند این دفعه (نوبت) بلاء و آزمایش سخت و عظیم است یک قطره آب برای آشامیدن نداریم همه آبهای موجود به خون تبدیل شده است فرعون گفت سحر است قبطیان گفتند کجا سحر است ما و بنی اسرائیل از رود نیل آب بر میداریم در ظرف ما خون است و در ظرف و سبوی ایشان آب است برای امتحان ظرف دو دهنه دار تهیه کرد یک طرف دهان ظرف را اسرائیلی گرفت در دهانش آب بود و دهانه دیگر ظرف در دهان مرد قبطی بود خون خالص می گشت هم چنین آب رود نیل به مزرعه قبطی که می رسید خون می شد و در مزارع بنی اسرائیل آب می شد حتی برای رفع تشنگی فرعون رطوبت پوست درختان را می جوید رطوبت آن نیز در دهانش خون می شد (ابو المحاسن حسین بن حسن جرجانی ، جلاء الأذهان و جلاء الأحزان ، ج ۳ ، ص ۲۳۵ - ۲۳۶)

#### ۷-۱-۴. نزول عذاب رجز بر قوم فرعونیان

«وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَى ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ لَئِنْ كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ



لَكَ وَلَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ» ( - سوره اعراف آیه ۱۳۴ )

هنگامی که بلا بر آنها مسلط می شد، می گفتند: «ای موسی! از خدایت برای ما بخواه به عهدی

که با تو کرده، رفتار کند! اگر این بلا را از ما مرتفع سازی، قطعاً به تو ایمان می آوریم، و بنی اسرائیل را با تو خواهیم فرستاد!»

خداوند قوم عصیانگر قبطیان را به بلاء رجز مبتلا ساخت البته در میان مفسرین اختلاف است که بعضی می گوید که مراد از رجز همان پنج عذاب در آیه قبل می باشد ولی بعضی دیگر نظر شان این است که رجز عذاب جدا گانه می باشد و برای آن چند مصداق ذکر نموده اند:

الف: رجز یعنی مرض طاعون که خداوند با این بلاء قوم قبطیان را معذب نمود و هفتاد هزار نفر هلاک شدند

ب: رجز یعنی برف قرمز که بر قوم فرعون بارید که هیچ سابقه نداشته و در اثر سرما هلاک می شدند (سید عبد الحسین طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۴۳۸)

ج: رجز یعنی لرزش و اضطراب که به آن مبتلا شدند (سید علی اکبر قرشی، تفسیر احسن الحدیث، ج ۸، ص ۱۳۳)

د: رجز یعنی صدای سهمگین و سخت مانند صدای رعد و برق در زندگی فرعونیان بی نظمی و وحشت ایجاد می کرد (سید غلامرضا خسروی حسینی، ترجمه مفردات، ج ۲، ص ۴۵) باز هم قوم فرعون به حضرت موسی ایمان نیاوردند

۸-۱-۴. مبتلا به مرض آبله

فرعونیان از بلاء قبلی رها شدند ولی باز هم قوم بنی اسرائیل را رها نکردند موسی (ع) به فرمان خدا پیش فرعون رفت و از او خواست بنی اسرائیل را رها کند او امتناع کرد موسی قدری خاکستر همراه داشت مشت پر می کرد و به آسمان می پاشید خاکستر در هوا پراکنده و تبدیل به دانه های آبله سوزنده می گشت و در بدن قبطیان هویدا می شد (سید محمد ابراهیم

بروجردی، تفسیر جامع، ج ۳، ص ۴۴۹)

۹-۱-۴. بلاء طاعون



قوم فرعون متحمل عذاب های گوناگون شدند بزرگان قبطیان گفتند ای فرعون کشور مصر به ویرانه تبدیل شده است و محاجه تو با این قوم خاک ما را بر باد داده است بنی اسرائیل را آزاد کن

تا مردم مصر آسوده زندگی کنند بگذارید هر کجا که می خواهند بروند فرعون دستور داد قوم بنی اسرائیل از شهر خارج شوند موسی به قوم خود دستور داد برای رفتن از مصر مهیا و آماده شوند چون شب پنجشنبه چهاردهم نisan مطابق ماه ابیت قبطیان فرارسید موسی دستورداد در خانه های خود قربان که فصیح نام داشت، انجام دهد و کسی از خانه بیرون نرود شب بسیار هولناک است و قهر خدا امشب بر فرعونیان نازل می شود چون نیمه شب شد نخست تمام فرزندان فرعونیان مردند در شهر شورش پر پا شد (سید محمد ابراهیم بروجرودی، تفسیر جامع، ج ۳، ص ۴۵۱)

۱۰-۴. غرق شدن و هلاکت فرعون و فرعونیان

فرعون و قوم او با این که همه آیات و معجزه را دیدند ایمان نیاوردند بلکه در پی قتل موسی و قوم او بر آمدند خداوند نیز اراده نابودی ظالمان را کرد و آخرین بلاء دنیوی را بعنوان انتقام از ظلم و طغیان و گردن کشی فرعون و فرعونیان بکار گرفت چون قوم فرعون در کفر و شرک و ظلم و فساد خود باقی ماندند از هر جهت حجت بر آنها تمام شد و راه عذری نماند ( - سید عبد الحسین طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۴۳۹ ) خداوند مقدمات نابودی قوم فرعون و فرعونیان را فراهم کرد و به موسی دستور داد قوم بنی اسرائیل را نیمه شب از مصر خارج کند

مدت سکونت قوم بنی اسرائیل در مصر پس از وفات یوسف ۱۴۷ سال براساس تاریخ یهود و ۲۱۰ برحسب مورخین و به نظر مفسرین ۴۰۰ سال و تورات (سفر تکوین) و بر حسب تورات سفر خروج ۴۳۰ سال بوده است (سید عبد الحجت بلاغی، حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر، ج ۱، ص ۱۹۹)

«وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي إِنَّكَ مُتَّبَعُونَ» (سوره شعراء آیه ۵۲)

و به موسی وحی کردیم که شبانه بندگانم را (از مصر) کوچ ده، زیرا شما مورد تعقیب هستید!



خداوند به موسی وحی کرد و دستور داد که بنی اسرائیل را شبانگاه از مصر خارج کند چون فرعون لشکر انبوهی (سید عبد الحسین طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۳۱۲) (بالغ بر یک میلیون و هفتصد هزار نفر) جمع آوری کرده بود که با موسی و بنی اسرائیل جنگ

کند و تمام آنها را بقتل رساند (سید عبد الحسین طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۴۵۰)

بنی اسرائیل حدوداً ششصد هزار نفر بودند به دستور موسی آماده کوچ شدند و شبانگاه از مصر حرکت کردند فرعون از خروج بنی اسرائیل از مصر مطلع شد فوراً با لشکریان خود به تعقیب حضرت موسی (ع) و بنی اسرائیل روانه شد

ابوالفضل داور پناه، أنوار العرفان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۲۳۰)

موقع خروج بنی اسرائیل همراه موسی (ع) از مصر اشیاء گران بها مانند زیور آلات و طلا و جواهرات را بطور عاریه از قوم قبطیان گرفتند و از مصر بیرون آمدند و در کنار دریای نیل رسیدند لشکریان فرعون از دور دیده شدند خوف عظیم بر قوم بنی اسرائیل مستولی شد چون راه فرار نداشتند زیرا رو بروی آنها دریای نیل قرار داشت و پشت سر آنها سپاه فرعون از راه می رسید (رشید الدین احمد بن ابی سعد میبدی، کشف الأسرار و عدة الأبرار، ج ۶، ص ۱۵۹) قوم موسی خائف شدند موسی به قومش گفت ترسید خدا با ما است هنوز کلام ایشان تمام نشده بود به ایشان وحی رسید و امر شد که عصای خود را به دریا بزنند

«فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ» (سوره شعراء آیه ۶۳)

و بدنبال آن به موسی وحی کردیم: «عصایت را به دریا بزن!» (عصایش را به دریا زد،) و دریا از هم شکافته شد، و هر بخشی همچون کوه عظیمی بود!

هنگامی که عصا به دریا نواخته شد دریا شکافته شد و دوازده راه خشک به تعداد اسباط بنی اسرائیل گشوده و آب دریا به دو طرف راه مانند کوه عظیم ایستاد و قوم بنی اسرائیل از دریا عبور



کردند آخرین نفر بنی اسرائیل از دریا خارج می شد که آخرین نفر قوم فرعون وارد دریا شد آب دریا بهم خورد سر انجام فرعون و قوم طغیانگرش در دریای نیل غرق و بهلاکت رسیدند ( - محمد جواد مغنیه ، تفسیر الکاشف ، ج ۵ ، ص ۴۹۹ )  
«فَأَخَذْنَاهُ وَجُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ فَاَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ» (سوره قصص آیه ۴۰)

ما نیز او و لشکریانش را گرفتیم و به دریا افکندیم اکنون بنگر پایان کار ظالمان چگونه بود! و خداوند از آنها انتقام گرفت زیرا آیات خدا را تکذیب می کردند و از آن غافل بودند  
۵. دوران اختلافات داخلی (درگیریهای موسی با بنی اسرائیل)  
پس از پایان سلطه فرعون در گیری حضرت موسی با جهال بنی اسرائیل و افراد سرکش و لجوج آغاز گردید ما در اینجا سه صحنه مهم را به طور اختصار متذکر می شویم  
۱-۵. تقاضای خدای مجسم از موسی

زمانی که از رود نیل عبور کرده به ساحل رسیدند در مسیر خود قومی بت پرست را مشاهده می کنند که مشغول تعظیم و عبادت در برابر بت خود بودند بنی اسرائیل به موسی گفتند برای ما هم معبودی مجسم و ظاهر و آشکار قرار بده تا مثل این قوم عبادت شان کنیم این اولین تمایل قوم بنی اسرائیل به بت پرستی و شرك است صریحا تقاضای بت پرستی نمودند (- سید محمد باقر موسوی همدانی ، ترجمه المیزان ، ج ۸ ، ص ۳۰۱)

«وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْنَاهُ عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ» (سوره اعراف آیه ۱۳۸)

و بنی اسرائیل را (سالم) از دریا عبور دادیم (ناگاه) در راه خود به گروهی رسیدند که اطراف بتهایشان، با تواضع و خضوع، گرد آمده بودند. (در این هنگام، بنی اسرائیل) به موسی گفتند: «تو هم برای ما معبودی قرار ده، همان گونه که آنها معبودان (و خدایانی) دارند!» گفت: «شما جمعیتی جاهل و نادان هستید!

## ۲-۵. میقات موسی و گوساله پرستی بنی اسرائیل

خداوند بموسی (ع) وعده داد که الواح و تورات که در آن احکام دین و اخبار و قصص و



مستحبات و هر آنچه مورد نیاز آنها است بر او نازل می کند (سید محمد ابراهیم بروجردی، تفسیر جامع، ج ۲، ص ۴۵۵)

برای دریافت این موهبت خدا به دستور داد چهل شب باید در میان قوم نباشد و هارون (ع) را جانشین خود قرار دهد جناب موسی (ع) به میقات پروردگار رفت میقاتی که در آن فراغت از قوم

خود و عبادت از صیام و صلوة و مناجات با پروردگار خود بود و رهسپار کوه طور شد بمجرد اینکه چند روزی موسی از میان قوم غایب شد بنی اسرائیل به فریب سامری گوساله ای بدست وی ساخته شده بود معبود خود شان قرار دادند و یکتا پرستی که اولین عهد الهی با همه بند گان می باشد فراموش کردند ( - سید عبد الحسین طیب، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۰۶)

«وَ اتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَى مِنْ بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلاً جَسَداً لَهُ خُوَارٌ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُ لَا يَكْلُمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلاً اتَّخَذُوهُ وَ كَانُوا ظَالِمِينَ» (سوره اعراف آیه ۱۴۸) قوم موسی بعد (از رفتن) او (به میعادگاه خدا)، از زیورهای خود گوساله ای ساختند جسد بی جانی که صدای گوساله داشت! آیا آنها نمی دیدند که با آنان سخن نمی گوید، و به راه (راست) هدایتشان نمی کند؟! آن را (خدای خود) انتخاب کردند، و ظالم بودند!

و هفتاد هزار نفر از قوم بنی اسرائیل گوساله سامری را سجده نمودند و از پرستش خدای یگانه دست برداشتند (سید محمد ابراهیم بروجردی، تفسیر جامع، ج ۴، ص ۲۹۴)

### ۳-۵. بنی اسرائیل و تقاضای رؤیت خدا

وقتی موسی به کوه طور می رفت و کلام الهی را می شنید و این جریان را برای قوم خود باز گو کرد و گفت خدا با من هم کلام شده قوم بنی اسرائیل باور نکردند قبول نداشتند این ادعای موسی برای شان گران بود چون سابقه نداشت که پیامبری چنین ادعای داشته باشد بنا شد چند نفر از بزرگان قوم همراه موسی به کوه طور بیایند و کلام خدا را گوش دهند و مشاهده کنند هفتاد نفر از میان قوم برگزیده و همراه موسی به کوه طور رهسپار شدند موسی از خداوند



درخواست نمود که با او گفتگو نماید، صدای خدا را همگی از اطراف و جوانب شنیدند و به موسی گفتند ما صدای خدا را شنیدیم اما تصدیق نخواهیم کرد (سید عبد الحسین طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۳۶)

گفتند ما از کجا می دانیم این از کلام خدا است تا اینکه خدا را با چشم خود مان آشکارا ببینیم به تو ایمان نمی آوریم (ابوالفضل داورد پناه، انوار العرفان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۰۲)

«وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ» (سوره بقره آیه ۵۵)

و (نیز به یاد آورید) هنگامی را که گفتید: «ای موسی! ما هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد مگر اینکه خدا را آشکارا (با چشم خود) ببینیم!» پس صاعقه شما را گرفت در حالی که تماشا می کردید

این گفتار ناشایسته از زبان شان صادر شد خداوند صاعقه آسمانی بر آنها فرود آورد همه بزرگان منتخب شده بی هوش بر زمین افتاده و جان باختند (مترجمان، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ج ۱، ص ۸۷)

#### ۴-۵. بنی اسرائیل و تقاضای غذای رنگارنگ

پس از غرق شدن فرعون، بنی اسرائیل از آب نیل گذشته و بعد از طی منازل به وادی تیه رسید (در محل وقوع بیابان تیه اختلاف است وادی تیه میان مصر و شام می باشد که دارای چهل فرسنگ طول و عرض آن همین اندازه می باشد همه شن و شوره زار و سماق است يك مرز آن به جفار و مرز دیگرش به طور سینا و مرزی نیز به شام متصل است (علی نقی منزوی، ترجمه احسن التقاسیم، ج ۱، ص ۳۰۰) و در بعضی کتب تفاسیر جغرافیای بیابان تیه به این نحو بیان شده است وادی تیه شش فرسنگ عرض دارد و طولش دوازده فرسنگ می باشد و محل وقوعش میان فلسطین و ایله مصر است)، (سیده نصرت امین بانوی اصفهانی، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، ج ۴، ص ۲۹۵) و مدت چهل سال در این بیابان محصور ماندند و در این مدت خداوند غذای روزانه آن قوم را مرغ بریان و ترنجبین مقرر فرموده و نازل می کرد روزی بنی



اسرائیل به خدمت حضرت موسی آمد و عرض کردند ما نمی توانیم به یک نوع غذا اکتفا کنیم از خدا بخواه که برای ما از روئیدنی ها و نباتات مانند عدس و خیار و پیاز مرحمت نماید از طرف خداوند به موسی خطاب رسید اینکه قوم تو چنین تقاضای دارند دستور بده به شهر مقدس بروند بنی اسرائیل جواب دادند در آن شهر مردم مقتدر و ستمکار سکونت دارند ما هرگز بآن شهر نمی رویم موسی از هر سبطی یک نفر انتخاب کرد و به طرف شهر مقدس روانه کرد پس از باز گشت

غیر از دو نفر یوشع و کالب بقیه عهد شکنی کرد و گفتند که شما قادر بر رزم و کارزار با آن جماعت نیستید وقتی این را شنیدند از رفتن به شهر موعود منصرف شدند و انکار کردند و به موسی گفتند تو و خدایت برو و با آنها بجنگ این گفتار ناروا باعث شد ورود آنها بر زمین مقدس حرام گردید تاچهل سال در بیابان تیه سرگردان و حیران ماندند و در این مدت هارون و موسی در فاصله یک سال دار دنیا را وداع گفتند.

از وهب ابن منبه روایت کرده اند که موسی روزی از سایه بان خود بیرون آمد و به گروهی از فرشتگان گذر کرد که گور کردند و نزدیک شان رفت و دید که گوری کنده است که هرگز نکو تر از آن ندیده بود و به سبز و صفا و بهجت مانند نداشت و از فرشتگان پرسید این گور از آن کیست ؟ فرشته ها گفتند از آن بنده ای که پیش خدا عزیز است موسی گفت این بنده خدا خیلی عزیز است تاکنون چنین خوابگاه و جایگاهی ندیده ام فرشته ها گفتند ای صفی الله می خواهی که این از آن شما باشد موسی گفت می خواهم ملائکه ها گفتند پس برو آنجا بخواب و به خدا توجه کن موسی در قبر خوابید خدای متعال جانش را گرفت و فرشته ها قبر او را پوشانیدند ( - ابوالقاسم داور پاینده ، ترجمه تاریخ الطبری ، ج ۱ ، ص ۳۴۵ - ۳۴۶ ) آن کسی که گور می کند ملك الموت بود به شکل انسان در آمده گور موسی را آماده می کرد به همین خاطر قوم بنی اسرائیل از محل دفن موسی خبر ندارند (سید هاشم بحرانی ، البرهان فی تفسیر القرآن ، ج ۲ ، ص ۲۷۰)

و از پیامبر اعظم در باره قبر موسی سوال شد حضرت فرمود عند الطريق الأعظم، عند الکثیر



الأحمر است (علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۶۵)

و در معجم البلدان می نویسد که سیحان قریه ای است در بلقاء از توابع موآب که گفته می شود قبر موسی در آنجا بر زبر کوهی است (شهاب الدین ابو عبد الله یاقوت بن عبد الله الحموی، معجم البلدان، ج ۳، ص ۲۹۳)

### نتیجه

با توجه به مباحثی که بیان شد می توان نتیجه گرفت که بررسی تطبیقی حضرت موسی علیه السلام از دیدگاه اندیشمندان غربی و مستشرقان با نگاه قرآن به ایشان حاکی از آن است که از منظر قرآن هدف حضرت موسی(ع) هدایت همه انسان های عصر خویش است نه قوم و گروهی خاص، اما در نظر اندیشمندان غربی، موسی رهبری است که فقط هدف او نجات قوم خودش است نه هدایت طغیانگر و هدایت دیگر انسان ها و تنها قوم او شایستگی برخورداری از نعمت هدایت الهی را دارند به همین دلیل در دیدگاه آنها اثری از ایمان آوردن همسر فرعون و سَحَره وجود ندارد و سخنی از مومن آل فرعون نمی باشد. به بیان قرآن کریم حضرت موسی(ع) در تمام دوران زندگی اش چه قبل از نبوت و چه بعد از آن یک رابطه ی ملکوتی و روحانی با پروردگار خویش داشته و در جریان قتل قبطی سه بار با عنوان ربّ با پروردگارش مناجات می کند: به قدری توکل او بالاست و به منبع غیب متصل است که حتی کوچک ترین نیازش را به دعا و تضرع از پروردگار می طلبد. هر عملی انجام می دهد قربه الی الله است. اما تصویری که مستشرقان و اندیشمندان غربی از حضرت موسی(ع) ارائه می دهد به گونه دیگری است. به اعتقاد تورات تولد موسی، رشد یافتن و نجات از جنگال دشمنان در مراحل مختلف زندگی اش کاملاً تصادفی بوده، دست رحمت و لطف الهی در این حوادث دخیل نبوده است. او تصادفاً به دست همسر فرعون می رسد. وی او را پرورش می دهد و به طور اتفاقی به مقام نبوت نائل می گردد



قرآن، هارون برادر حضرت موسی(ع) را پیامبر و شریک در همه امور آن حضرت می داند و در آیات مختلف او را ستایش می کند اما در دیدگاه مستشرقان سخنی از تلاش های هارون بر هدایت قوم وجود ندارد و او را عامل اصلی برای گوساله پرستی بنی اسرائیل می دانند و در نهایت می توان گفت گزارش تاریخ در قرآن هدفمند و برای القای پیام های اخلاقی یا معرفتی صورت گرفته است که گاهی این پیام در آغاز یا انجام داستان تصریح شده است اما گزارش اندیشمندان غربی تأکیدی بر پیام رسانی ندارد و تنها به ثبت حوادث تاریخی پرداخته اند.

## فهرست منابع

### قرآن مجید

۱. ابوالقاسم حالت، عباس خلیلی، ترجمه الکامل، مؤسسه مطبوعاتی علمی، تهران، ۱۳۷۱ ش
۲. ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی، جلاء الأذهان و جلاء الأحزان، انتشارات دانشگاه، تهران، ۱۳۷۷ ش، چاپ اول
۳. ابوالفضل داور پناه، أنوار العرفان فی تفسیر القرآن، انتشارات صدر، تهران، ۱۳۷۵ ش، چاپ اول

۴. ابوالقاسم داور پاینده، ترجمه تاریخ الطبری، نشر اساطیر تهران، ۱۳۷۵ ش، چاپ پنجم،
۵. ابوبکر عتیق بن محمد سور آبادی، تفسیر سور آبادی، فرهنگ نشر نو، تهران، ۱۳۸۰ ش،
۶. احمد علی بابایی، برگزیده تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۲ ش، چاپ سیزدهم

۷. حسین بن علی ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۴۰۸ ق

۸. حسین بن علی واعظ کاشفی سبزواری، تفسیر مواهب عله، چاپ خانه اقبال، تهران، ۱۳۶۹ ش

۹. رشید الدین احمد بن ابی سعد میبدی، کشف الأسرار و عدة الأبرار، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۱ ش، چاپ پنجم،

۱۰. سید عبد الحجت بلاغی، حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر، انتشارات حکمت، قم، ۱۳۸۶ ق،



۱۱. سید عبد الحسین طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلام، تهران، ۱۳۷۸ ش،

چاپ دوم

۱۲. سید علی اکبر قرشی، تفسیر أحسن الحديث، بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۷۷ ش، چاپ سوم

۱۳. سید غلامرضا خسروی حسینی، ترجمه مفردات، انتشارات مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ ش

۱۴. سید محمد ابراهیم بروجردی، تفسیر جامع، انتشارات صدر، تهران، ۱۳۶۶ ش، چاپ ششم

۱۵. سید محمد باقر موسوی همدانی، ترجمه المیزان، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرّسین

حوزه علمیه، قم، ۱۳۷۴ ش، چاپ پنجم

۱۶. سید هاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، ۱۴۱۶ ق،

۱۷. سیده نصرت امین بانوی اصفهانی، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، نهضت زنان مسلمان،

تهران، ۱۳۶۱ ش

۱۸. شهاب الدین ابو عبد الله یاقوت بن عبد الله الحموی، معجم البلدان، دار صادر، بیروت،

۱۹۹۵ م، چاپ دوم

۱۹. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ ق،

۲۰. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، دار الکتاب، قم، ۱۳۶۷ ش، چاپ چهارم

۲۱. علی اکبر ده خدا، لغت نامه ده خدا، انتشارات دانشگاه، تهران، ۱۳۴۵ ق

۲۲. علی نقی منزوی، ترجمه احسن التقاسیم، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، تهران، ۱۳۶۱ ش،

چ اول

۲۳. فضل بن حسن طبرسی، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس

رضوی، مشهد، ۱۳۷۷ ش، چاپ دوم

۲۴. مترجمان، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی مشهد،

۱۳۷۷ ش، چاپ دوم

۲۵. مترجمان، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات فراهانی، تهران، ۱۳۶۰ ش، چاپ

اول

۲۶. مترجمان، تفسیر هدایت، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد سال، ۱۳۷۷

ش، چاپ اول



۲۷. محمد بن حسن بن فروخ صفار، بصائر الدرجات، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، قم،

۱۴۰۴ ق

۲۸. محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا

۲۹. محمد ثقفی تهرانی، تفسیر روان جاوید، انتشارات برهان، تهران، ۱۳۹۸ ق، چاپ سوم

۳۰. محمد جواد مغنیه، تفسیر الکاشف، دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۲۴ ق، چاپ اول

۳۱. محمد جواد نجفی خمینی، تفسیر آسان، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۹۸ ق، چاپ اول

۳۲. ملا فتح الله کاشانی، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، کتابفروشی محمد حسن

علمی، تهران، ۱۳۳۶ ش

۳۳. ملا محسن فیض کاشانی، الأصفی فی تفسیر القرآن، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم،

۱۴۱۸ ق

۳۴. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۷۴ ش، چاپ اول

۳۵. Hitti, Philip K. (۱۹۲۸). The Origins of the Druze People and Religion: With

Extracts from Their Sacred Writings. Library of Alexandria. p. ۳۷. ISBN

۹۷۸-۱-۴۶۵۵-۴۶۶۲-۳.

۳۶. Dana, Nissim (۲۰۰۸). The Druze in the Middle East: Their Faith,

Leadership, Identity and Status. Michigan University press. p. ۱۷. ISBN

۹۷۸-۱-۹۰۳۹۰۰-۳۶-۹.

۳۷. Bahá'u'lláh (۱۹۸۸). Epistle to the Son of the Wolf. Wilmette, Illinois:

Bahá'í Publishing Trust. p. ۱۰۴. ISBN ۹۷۸-۰-۸۷۷۴۳-۰۴۸-۳.

۳۸. Redford, Donald B. (۱۹۹۳). Egypt, Canaan, and Israel in Ancient Times.

Princeton University Press.

۳۹. Bandstra, Barry L. (۲۰۰۸). Reading the Old Testament: An Introduction to the Hebrew Bible. Wadsworth.

۴۰. Attridge, Harold W.; Meeks, Wayne A. (۲۰۱۷). The HarperCollins Study Bible. HarperOne